

۲۸ خرداد ۱۳۹۴ - شماره: ۲۳

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

ماه مبارک رمضان؛
فرصتی برای بازگشت به اسلام

نویسنده مقاله:
محمد رضوان شفیعا

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



آنچه امروز همه‌ی مسلمانان جهان برای شناخت صحیح از اسلام و نیز اقامه‌ی آن در سرتاسر جهان به عنوان مقدمه‌ای لازم به آن نیازمند هستند، تهذیب نفس، صفای باطن، وارستگی از آرایش‌ها و زنگارهای درون و نیز رهایی از رذائل نفسانی و مفسد اخلاقی است. حقیقت تلخ موجود در جهان اسلام آن است که مسلمانان تحت تأثیر رسوخ فرهنگی و نفوذ گسترده‌ی تبلیغاتی کافران، دچار انحطاط اخلاقی و اضمحلال فرهنگی شده‌اند و رفتار فردی و اجتماعی آنان تحت تأثیر عوامل مخرب مذکور، دچار التقاط شده و تغییرات بنیادین کرده است. این موضوع هر مسلمان آزاده و خیرخواهی را به فکر فرو می‌برد و برای یافتن راه حلی مؤثر و ماندگار به تکاپو و می‌دارد. اما می‌بینیم که با کمال تأسف علمای مسلمان در این باره سکوت اختیار کرده‌اند و اعتنای چندانی به آن نمی‌کنند و دست اندرکاران در حوزه فرهنگ و تبلیغات اسلامی که در این حوزه ادعاهای فراوان دارند نیز برای اصلاح اوضاع اخلاقی جوامع اسلامی کاری از پیش نبرده‌اند. در حالی که برخی از علمای فرزانه و اهل بصیرت در جهان اسلام پیرامون این امر هشدارهای جدی داده‌اند و در این حوزه به روشنگری پرداخته‌اند. همچنانکه به عنوان نمونه حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی از علمای برجسته و آزاداندیش دوران، در کتاب گرانسنگ خود «بازگشت به اسلام» به این موضوع خطیر توجه وافری دارند و انحطاط اخلاقی مسلمانان را در شمار یکی از موانع اقامه‌ی اسلام ذکر کرده‌اند.

ایشان ضمن ارائه‌ی تصویری واقع‌بینانه و درعین حال تأسف‌بار، اوضاع کنونی مسلمانان از حیث اخلاقی را این‌گونه تحلیل می‌فرمایند:

«اکنون در بسیاری از کشورهای اسلامی، مفاصد اخلاقی گسترش یافته و بیشتر مسلمانان خصوصاً از طبقه‌ی جوان، به جلوه‌هایی آشکار از فحشا و منکر مبتلا شده‌اند. این به آن معناست که بخش قابل توجهی از وقت و نیروی آنان، به جای اصلاح خود و جامعه‌ی‌شان، صرف بطالت و التذاذ می‌شود و علاوه بر آن، به بیماری‌های گوناگون جسمی و روانی گرفتار می‌گردند که هر یک، توانایی آنان برای درک اسلام و اقامه‌ی آن را کاهش می‌دهد. به عنوان نمونه، اعتیاد به موادّ مخدر، یکی از پی‌آمدهای مرگبار ضعف اخلاقی است که در میان مسلمانان شیوع یافته و هزینه‌های مادی و معنوی هنگفتی را به آنان تحمیل نموده است. همچنانکه کام‌جویی جنسی افسارگسیخته، بلایی خانمان‌سوز است که آنان را در سنین مختلف آلوده ساخته و توسط ابزارهای تبلیغاتی کافران، به منظور تضعیف هر چه بیشتر آنان، دامن زده شده است. همچنانکه مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی در زندگی دنیا، بیشتر آنان را به انسان‌هایی کم‌کار و پرتوقع تبدیل ساخته و تنبلی و فرومایگی را در میان آنان گسترش داده و سرگرمی‌های مختلف در شبانه‌روز، آنان را از توجه به مسائل مهمّ زندگی و پرداختن به وظایف انسانی و اسلامی‌شان، بازداشته است. همچنانکه تربیت غلط و غیر اسلامی آنان و اقتضائات جوامع جدید پرفتنه‌ی‌شان، آنان را به انسان‌هایی دروغگو و متملق تبدیل نموده و صداقت و صراحت را در میانشان کمیاب ساخته و تبعاً اعتماد و حسن ظنّ متقابل را از میانشان برداشته است؛ زیرا هر دروغ، حفره‌ای است که در سدّ اعتماد جامعه وارد می‌شود و هر تملق، آفتی است که به ریشه‌ی سلامت آن لطمه می‌رساند؛ همچنانکه احساس مسئولیت آنان نسبت به یکدیگر کمرنگ شده و امر به معروف و نهی از منکر که مهم‌ترین وظیفه‌ی اسلامی آنان در ارتباط با یکدیگر است، جای خود را به سکوت و بی‌تفاوتی داده است؛ زیرا هیچ یک از آنان دوست نمی‌دارد که دیگری در کار او، هر چند نادرست باشد، دخالت کند و تبعاً خود او نیز در کار دیگری، هر چند نادرست باشد، دخالت نمی‌کند؛ تا جایی که تذکر خیرخواهانه‌ی مسلمانان به یکدیگر، فضولی در کار دیگران و خلاف ادب و احترام دانسته شده است. همچنانکه خودخواهی و انزوا، به بیماری همه‌گیری تبدیل شده و تنهایی، همگان را با وجود ارتباطشان با هم، فراگرفته و به رنج انداخته است؛ چراکه هیچ کس به دیگری اعتماد

کافی ندارد و کسی را غم‌خوار و دلسوز خود نمی‌یابد. به علاوه، کینه‌توزی و دشمنی در میان مسلمانان بسیار شده و محبت و گذشت، به صورت مشهودی کاهش یافته است. همچنانکه احساس شرف و مردانگی، در میان آنان کمرنگ شده و جای خود را به ظلم‌پذیری و قبول ذلت داده و ترس از تغییر را در میانشان نهاده‌ینه ساخته است.» (بازگشت به اسلام، ص ۱۶۳).

این‌ها حقایقی است که هم اکنون در جهان اسلام به عینه مشاهده می‌شود و انکار یا حاشای آن نیز گذشته از آنکه مصداق سفاهت و چشم بستن به روی حقایق است، دردی را دوا نمی‌کند. بلکه رویکرد شایسته آن است که به جای کتمان آن، ساز و کارهای پیش‌گیرانه و راهکارهای عملی مؤثر و بنیادین برای اصلاح و جلوگیری از آن از سوی مسئولان امر و مدعیان حراست از فرهنگ اسلامی اندیشیده شود. اما آنچه بیشتر مایه‌ی نگرانی می‌شود آن است که این انحطاط اخلاقی صرفاً به حوزه‌ی عملی و رفتاری مسلمانان محدود نمی‌شود و جدا از آنکه اخلاق آنان را فاسد و منحط می‌کند و معنویت و سلامت روح آنان را می‌بلعد، به حوزه‌ی عقیده و اندیشه نیز سرایت می‌کند و موجب فساد اعتقادی و انحطاط فکری آنان نیز می‌شود. به عبارت دیگر بی‌اخلاقی یا بداخلاقی مسلمانان تأثیر غیر مستقیم اما مؤثری بر روی حق‌گرایی، حق‌جویی و حق‌طلبی آنان می‌گذارد و در واقع آنان را از درون تهی و بی‌مایه نموده و دیر یا زود در مقابل حق قرار می‌دهد. همچنانکه حضرت علامه هاشمی خراسانی در این باره هشدار داده و می‌فرمایند:

«هیچ شکی نیست که هر یک از این ردائل اخلاقی مانند موانع شناخت، آثار مستقیم و غیر مستقیم فراوانی بر روی وضعیت مسلمانان دارد؛ چراکه جهان، نظامی پیوسته و وابسته و مبتنی بر تأثیر و تأثر است و هر عملی در آن، عکس‌العملی محسوس یا نامحسوس دارد؛ تا جایی که هر گناهی، گناه دیگری را تسهیل می‌کند و زنجیره‌ای از گناهان را پدید می‌آورد که در نهایت به انکار حق و استهزاء آن منتهی می‌شود؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاءُوا الشُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (روم / ۱۰)؛ «سپس عاقبت کسانی که بدی در پی بدی کردند این بود که آیات خدا را تکذیب و به آن استهزا نمودند!» چراکه گناهان پی در پی، زمینه‌ی مساعد برای شناخت حق و التزام به آن را در نفس آدمی از بین می‌برد و توفیق لازم برای آن از جانب خداوند را سلب می‌کند» (بازگشت به اسلام،

ص ۱۶۳ و ۱۶۴).

این امر به مثابه‌ی زنگ خطر و هشدار جدی برای مسلمانان تلقی می‌شود و بایسته است که توسط آنان جدی گرفته شود و تهدیدی برای حیات معنوی و اعتقادی آنان ارزیابی گردد. این هشدار از آن روست که امروز مسلمانان به واسطه‌ی پیش‌فرض‌ها و ذهنیت‌های غلط و ناقصی که دارند گمان می‌کنند که انحطاط اخلاقی در میان مسلمانان به هیچ عنوان تهدیدی برای اعتقادات آنان محسوب نمی‌شود و اساساً ارتباطی به جنبه‌های نظری ندارد، در حالی که به طور قطع این گونه نیست.

اما با این وجود، در چنین شرایط بحرانی و نابه‌هنجاری می‌توان حلول ماه مبارک رمضان را که حقیقتاً فرصتی استثنایی و مجالی مغتنم برای پیراسته شدن قلب‌ها از رذائل نفسانی و زدودن آرایش‌ها و زنگارها از آئینه‌ی جان است به فال نیک گرفت و نیز فرا رسیدن این ماه عزیز و شریف را بهانه‌ای برای آغاز روند اصلاح اخلاقی و اعتقادی جوامع مسلمان و به صورت کلی همه‌ی مسلمانان جهان به شمار آورد؛ چراکه در کنار همه‌ی برکات، فضائل و کرامات این ماه شریف از جمله نزول قرآن کریم و نیز وجود شب پر فیض و رحمت قدر در این ماه، روزه به عنوان فریضه‌ای اسلامی جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد و آثار و ثمرات مبارک فردی و اجتماعی آن قابل احصاء نیست. به عنوان نمونه بر اساس صریح آیه‌ی قرآن، روزه از آن جهت برای مسلمانان واجب شد که با وجود آن امید می‌رود گوهری گرانبها و سرمایه‌ای ارزشمند را برای آنان به ارمغان می‌آورد و آن گوهر، همانا تقواست؛ چراکه خداوند یکی از اغراض اصلی خود در تشریع روزه را کسب تقوا می‌شمارد و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره/ ۱۸۳)؛ یعنی «ای کسانی که ایمان آوردید! روزه بر شما واجب شد، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند واجب شد، باشد که تقوا پیشه کنید». بدون تردید این حاکی از میزان اهمیت و نقش مفید و منحصر به فرد تقوا در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان است و نشان می‌دهد که تنها روزه‌ای مورد نظر و مطلوب خداوند است که تقوا را برای روزه‌دار به ارمغان آورد. در همین راستا حضرت علامه هاشمی خراسانی معتقدند که تقوا در میان مسلمانان از یک سو مانع کجروی آنان در مقام عمل و از سوی دیگر مانع کج‌اندیشی ایشان در مقام نظر می‌شود. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«هیچ شکی نیست که تقوا به معنای بر حذر بودن از خداوند و ترس از عقاب او در آخرت، بهترین عامل بازدارنده برای کجروی و کج‌اندیشی مسلمانان است؛ چراکه

بر حذر بودن و ترس از عقاب دیگران، طبعاً نمی‌تواند همیشگی باشد و در جایی که دیگران را علم یا قدرتی نیست، بازدارندگی ندارد، ولی بر حذر بودن و ترس از عقاب خداوند، به دلیل علم و قدرت همیشگی او، همواره بازدارنده است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾ (بقره / ۱۹۷)؛ «و توشه بگیرید که بهترین توشه تقواست» و فرموده است: ﴿وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ﴾ (أعراف / ۲۶)؛ «و پوشش تقوا آن بهتر است»! با این وصف، می‌توان گفت که فقدان تقوا در میان مسلمانان، با هیچ عامل دیگری جبران نمی‌شود و هرگاه در میان آنان، تقوا وجود نداشته باشد، کجروی و کج‌اندیشی آنان قطعی است» (بازگشت به اسلام، ص ۱۶۲).

از همین رو تردیدی نیست که ماه مبارک رمضان، فرصتی طلایی و منحصر به فرد برای آغاز حرکت مبارک مسلمانان برای «بازگشت به اسلام» است؛ چراکه از یک سو فضای روحانی و ملکوتی حاکم بر این ماه مبارک، توجهات مسلمانان را از لهو و لعب دنیا منصرف نموده و به سوی معنویت و مکارم اخلاق سوق می‌دهد و از سوی دیگر در حوزه‌ی اعتقادی و نظری زمینه را برای هدایت، بصیرت و معرفت آنان فراهم می‌کند؛ چراکه به فرموده‌ی حضرت علامه «تقوا و پرهیز از ردائل اخلاقی، زمینه‌ی مساعد برای شناخت حق و التزام به آن را در نفس آدمی پدید می‌آورد و او را مشمول توفیق الهی برای آن می‌گرداند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ (أنفال / ۲۹)؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! اگر از خداوند تقوا پیشه کنید برای شما ابزار فرق نهادن قرار می‌دهد»! (بازگشت به اسلام، ص ۱۶۴).

امید است که همه‌ی مسلمانان جهان از این ماه پر فیض و برکت برای یک تحوّل بنیادین و بی‌سابقه در جهت بازگشت به سوی اسلام خالص و کامل و آموزه‌های اصیل آن استفاده کنند و با اراده‌ای پولادین و عزمی راسخ بحران‌های کنونی و فتنه‌های موجود در جهان اسلام را به سویی که خداوند خواسته است مدیریت نمایند و این در وهله‌ی اول مستلزم آن است که تقوا داشته باشند و از خداوند آسمان‌ها و زمین بترسند و بر خلاف خواست و اراده‌ی او گام برندارند؛ چراکه مدیریت بحران‌های کنونی جهان اسلام به سوی آرامش و ثبات تنها در یک صورت ممکن خواهد بود و آن هم سوق دادن حاکمیت و خلافت جهان اسلام به سوی کسی است که خداوند او را به خلافت در آخر الزمان برگزیده و منصوب فرموده است و او کسی جز مهدی آل محمد نیست. لذا مسلمانان اگر تقوا داشته باشند و از خداوند پروا کنند، این را

به خوبی متذکر می‌شوند که هیچ‌کس جز مهدی شایسته‌ی حکومت نیست و تنها اوست که می‌تواند زمین را از عدل و قسط پر کند، همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. پس بر مسلمانان باد به تقوای الهی؛ چراکه تقوا دیر یا زود آنان را به سوی بهترین راه هدایت می‌کند و دنیایشان را از عدالت و انصاف لبریز می‌گرداند و آنان را در آخرت به سعادت و رستگاری می‌رساند ان شاء الله.

